



شیخ باقر شریف قرشی (۱۳۴۲-۱۴۳۳ق)

تاریخ نگار برجسته

چکیده: نویسنده در این مقاله به شرح حال و آثار مرحوم شیخ باقر شریف قرشی از سیره نگاران معاصر عراق می پردازد. اساتید قرشی در فراگیری و معرفی آثار و خدمات اجتماعی وی در این مقاله بررسی شده است. کلیدواژه ها: باقر شریف قرشی - آثار، تاریخ نگاری اهل بیت.

يتعرض الكاتب إلى بيان سيرة الفقيه الراحل الشيخ باقر شريف القرشي من المؤرخين المعاصرين العراقيين. تتضمن التعريف بأساتذته والتعريف بآثاره وجهوده الاجتماعية والثقافية.

شیخ باقر شریف قرشی (۱۳۴۲-۱۴۳۳ق) تاریخ نگار برجسته



اشاره
علامه آية الله شيخ باقر شريف قرشي از تاريخ نگاران بزرگ شيعه و اخرسده حاضر است. وی که از خاندانی اصیل و تباری برجسته است، شاگردان بسياری تربيت کرده و چندین اثر علمی ارزنده و معتبر به ويژه در تاريخ اهل بيت و معصومان عليهم السلام از خود بر جای نهاده است. درگذشت وی در کوران رخدادهاي پس از سقوط رژيم صدام حسين و آشوب و بلوای اوضاع کشور و گرفتاری های مردم و علمای عراق در ۲۶ رجب ۱۴۳۳ق رخ داد. در این گفتار درباره احوال و آثار وی سخن خواهیم گفت.^۱

تولد
باقر شريف قرشي متولد ۱۹۲۴م / ۱۳۴۲ق در شهر نجف، فرزند شيخ شريف بن مهدي بن صالح بن ناصر است که همگی از علمای دين و صاحبان علم و دانش بودند که عمر شريف خود را در تبليغ و ارشاد و هدايت مردمان در شهر «القاسم» منطقه حله گذرانده بودند.

مادر معظمه حاجيه خانم فخریه دختر حاج ابراهيم زين معروف به «جدی» از خاندان علمی بود که از جبل عامل لبنان به نجف اشرف هجرت کرده، ویژگی این خاندان گرامی، وجود عالمان و ادیبان و سرشناسان و بزرگانی از آنان بود.

علامه قرشي و دو برادرش: مرحوم فقيه آية الله شيخ هادی قرشي و مرحوم حاج محمد قرشي در بيت علم و تقوا رشد و نمو کردند. در اوان خردسالی مادر گرامی شان درگذشته، در کنف و پناه پدر، بزرگ شدند که محبت و مهر نثارشان می کرد و از اخلاق والای خویش بهره مندشان می نمود. اما ایشان نیز در زمانی نپایید و به سرای باقی شتافت. علامه و برادران طبق وصيت و سفارش پدر با سخت کوشی به دانش پژوهی پرداخته، مراحل رشد و کمال و اجتهاد را با تلاش شبانه روزی می پیمودند. چنان که تبار علامه از عالمان دینی بودند، از جمله جدش (شيخ مهدي) از شاگردان مرحوم ميرزای بزرگ محمد حسن شیرازی (م ۱۳۱۲ق) بود، وی نیز به فراگیری دروس طلبگی همت گمارد. او از کودکی دارای نبوغ و اندیشه ای

۱. بیشتر مطالب از کتاب قبس من حياة آية الله الشيخ باقر شريف القرشي نوشته مهدي باقر قرشي است که برای نگارش این مقاله، در اختیار این جانب قرار داده اند.

۲. برخی ۱۳۴۴ق / ۱۹۲۴م نوشته اند، اما استناد ما به نوشته فرزند وی است.

ستودنی بود. همراه پدرش (شیخ شریف) به صحن مبارک علوی برای زیارت امام امیر مؤمنان علیه السلام مشرف می شد. در صحن علوی حلقه های درسی حوزوی تشکیل می گشت. پدر همراه فرزند کناریکی از حلقه ها ایستاده، به پسرش گفت: دوست دارم مانند این استاد گردی، علامه بلافاصله پاسخ داد: حلقه درسی بسیار بزرگتر از این خواهم داشت!

چنین شد که خدا بدو توفیق وصول به مراتب عالی و والای علمی داده، به فضل و برکت دعای پدر برای وی در روضه شریف امام علی علیه السلام وسعی و تلاش خویش به سطوح ستودنی دانش و پژوهش دست یافت!

فراگیری دروس حوزوی

علامه همراه با برادر (شیخ هادی) که میانشان روح محبت و فداکاری برقرار بود حتی یک روز از هم جدا نگشته و تا آخر عمر همدل و همدم بودند. به نجف اشرف مهاجرت کرده، ۱۳۸۰ق دروس حوزوی خویش را شروع کردند. خود در مصاحبه با مجله کتاب ماه دین^۲ در این باره می گوید: «در خانواده ای علمی متولد شدم. پدرم در شهر القاسم علیه السلام معلم علوم دینی بود. در دوران کودکی من و برادرم، فقیه بزرگ حجة الاسلام شیخ هادی قرشی، با مرگ مادر مواجه شدیم که ضایعه بزرگی بود. در او ان کودکی به دلیل اینکه مدرسه رسمی وجود نداشت، در مکتب و نزد علما و معلمان دینی (که به جوانان و خردسالان علوم دینی تدریس می کردند) به درس و تحصیل علوم دینی و مذهبی مشغول شدم».

استادان
علامه قرشی از کودکی دوستدار و مشتاق یادگیری دانش و معرفت بود. اولین معلم وی شیخ قفطان بود که نوشتن

و قرائت قرآن را در مکتب وی آموخت. خود در این باره می گوید:

اولین معلم من مرحوم شیخ کریم قفطان بود. من و برادرم پس از دوره مقدماتی علم نحو را نزد برخی فضلا و علما آموختیم. کتاب قطرانندی و پس از آن الفیه ابن مالک را زیر نظر حجة الاسلام و المسلمین شیخ حسین الخلیفه الأحسائی که در تدریس الفیه ابن مالک مهارت داشت فرا گرفتیم.

نزدیک به هشت سال به یادگیری صرف و نحو و دروس سطح حوزه پرداختیم که برخی به دلیل مهارت و تخصص در این علم صفت «اخفش» و «سیبویه» را به من می دادند. در همین دوران دو کتاب در علم نحو را تألیف کردم. یکی در شرح علم نحو و دیگری در شرح ابیاتی بود که ابن مالک در الفیه به آن ها استناد و استشهاد کرده بود. آخرین کتابی که در علم نحو آموختم المغنی ابن هشام بود. پس از این مرحله به تحصیل علم منطق نزد شیخ محمد علی الدمشقی - از عالمان نجف - و فراگیری کتاب الحاشیه که از آثار مهم در منطق بود پرداختم. سپس کتاب مختصر تفتازانی را نزد علامه کبیر شیخ عباس مظفر، علم اصول را در محضر شیخ بشیر عاملی و کتاب اللمعه را نزد سید موسی البعاج فرا گرفتم.

به گفته مهدی قرشی (فرزند مرحوم) در کتاب «قبس»^۴ علامه همراه برادر (شیخ هادی) ساکن مدرسه آیة الله شیخ محمد حسین کاشف الغطا (م ۱۳۷۳ق) شده، حجره ای ساده و زندگی ساده تر از آن داشته، بیشتر غذایشان نان و چای بوده، علامه می گفت: «به غذا اهمیت نمی دادیم بلکه هم

۴. ناشر مؤسسه امام حسن علیه السلام چاپ ۱۴۳۴هـ / ۲۰۱۳م، چاپخانه دارضیا،

وغم ما فقط درس و بحث و مطالعہ بود، نیز این کہ چگونه ذہن خود را انباشتہ از دانش کنیم. با مطالعہ و بحث بہ شب زندہ داری پرداختہ، تا طلوع صبح در پرتو چراغ نفتی بہ کسب دانش ہمت گماشتہ، لذت روحی و کامجویی برایم داشت، گاہ خود و برادرم بر پشت بام و زیر نور ماہ بہ حفظ درس ہا پرداختہ، تمامی ابیات الفیہ ابن مالک را در چنین حالی حفظ کردم».

فراگیری منط علامہ دربارهٔ چگونگی شروع درس منطق می گوید:

مرا بہ جناب شیخ محمد علی دمشقی راہنمائی کردند. وی از شمار استادان سرآمد بود کہ در حرم شریف، امام جماعت بود. منتظر پایان نماز گشتم تا از او درس منطق بطلبم. رغبت و اشتیاق شدیدی داشتم. پس از اتمام نماز خدمت استاد رفتہ، سلام کردہ و درس خواستم. شیخ بہ تندی گفت: «کی بہ تو گفتہ من بہ بچہ ہا درس می دہم؟! برو، برو!» سرافکنندہ و شرمسار نزد شخصی رفتم کہ استاد را بہ من پیشنهاد دادہ بود و ماجرا را گفتم، گفت: «اہمیت ندہ و بار دیگر برو و پس از پایان نماز روبہ رویش بنشین و خواستہات را بگو!» بار دیگر نزد استاد رفتہ، با شوق بسیار بہ انتظار نشستہ، وقتی نماز بہ پایان رسید، استاد دید باز من آمدہ ام و سخن دیروزش در من اثر نگذاشتہ است! پرسید: چہ می خواهی؟ عرض کردم: مولایم! مشتاقم درس منطق را از شما استفادہ کنم. شیخ گفت: چند شرط دارد:

۱. ہر روز درس را بنویسی. این پول را بگیر و کاغذ بخر تا ہمین امروز درس را شروع کنیم.

۲. درس ہر روز را حفظ کنی چون فردایش از تو می پرسم.

۳. اگر درس را ہر روز خوب حفظ نکنی، بہ کاسبانی کہ کنار خانہ ام ہستند، می گویم: این بچہ دستار از سرم انداختہ است، آن وقت می بینی چہ بر سرت می آورند!

طلبہ نوجوان ما روز اول و دوم در درس حاضر شدہ، استاد پس از امتحان وی و پذیرشش، از او راضی بود، شاگرد یک سال کامل نزد استاد منطق را فرا گرفت. با چنین تدبیر و شروطی، روحیہ سخت کوشی و پشتکار در شاگرد راسخ و پابرجا گشتہ، آن چنان خریط فن و خبرہ گشت کہ کتابی در شرح علم منطق نگاشت!

فراگیری فقہ و اصل

پس از تکمیل دروس مقدماتی و سطوح و تدریس مرحلہ بہ مرحلہ آن، بہ یادگیری درس های سطح عالی پرداخت، استادان بزرگوار وی عبارت بودند از:

۱. آیۃ اللہ سید علی شبر مؤسس مدرسہ شبریہ.

۲. آیۃ اللہ سید موسی بعا ج کہ نزد ہر دو کتاب لمعہ را فرا گرفت.

۳. آیۃ اللہ سید عبدالکریم سید علی خان متولد نجف اشرف (۱۴۳۹-۱۴۱۱ق).

۴. آیۃ اللہ سید محمود مرعشی شوشتری (۱۳۰۷-۱۴۰۸ق) کہ نزد ہر دو مکاسب محرمہ خواند.

۵. آیۃ اللہ شیخ محمد طاہر آل راضی، متولد ربیع الآخر ۱۳۲۲ کوفہ و متوفی صفر ۱۴۰۰ق.

۶. آیۃ اللہ سید محمد باقر شخص (۱۳۱۵-۱۳۸۱ق)، کہ نزد شان کفایۃ الاصول فرا گرفت.

علامہ دربارهٔ استادش چنین می گوید:

۵. قیس من حیاء، ص ۲۵.

۶. قیس من حیاء، ص ۲۶.

بعد از پایان این دوره در حضور مرحوم آیه‌الله سید محمود مرعشی نجفی که از بزرگ‌ترین استادان و علما بود، فرائد الاصول را آموختم. ایشان از معلمان عملی اخلاق بود. در این باره خاطره‌ای را از ایشان نقل می‌کنم. روزی همراه طلبه‌ای پاکستانی نزد ایشان درس فرائد الاصول را می‌آموختیم. ایشان پس از پایان درس برخاست و کفش‌های ما را جفت کرد و جلو پای ما گذاشت. ما با سرافکندگی و شرمساری بسیار به ایشان گفتیم: چه می‌کنید استاد! شما از سادات و سرور و از علمای بزرگ دین ما هستید و این وظیفه ماست، ایشان در پاسخ گفت: من با این کار خواستم به شما نشان دهم که اگر طالب علم از اخلاق حسنه برخوردار نشود، نمی‌تواند به اصلاح امور بپردازد، زیرا علم اخلاق رکن اساسی است و طلاب علوم دینی چه بزرگ، چه کوچک باید از آن برخوردار شوند و مردم را در این خصوص آموزش عملی دهند.

پس از فراگیری فرائد الاصول، کفایة الاصول را در محضر آیه‌الله شیخ محمد طاهر آل شیخ راضی به عنوان بحث خارج آموختم. پس از پایان این درس‌ها به نگارش درس شیخ محمد طاهر آل شیخ راضی و نیز دروس قبلی پرداختم و به تدریس این علوم (که با علاقه و عشق فراوان آموخته بودم) تمایل داشتم و گاهی به تدریس می‌پرداختم.

دروس خارج

پس از پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز درس‌های سطح، به یادگیری بحث‌های خارج فقه و اصول پرداخت. وی چنان مشتاق یادگیری بود که پیش از استاد، در جلسه درس حاضر شده، ذهن خود را از هر موضوع مزاحمی پیراست، تمامی بحث‌ها را نگاشته، پس از پایان هر درس، به مباحثه

پرداخت، نگاشته‌های (تقریرات) خود را با هم مطابقت کرده و اگر نکته‌ای جا افتاده بود، به یاری هم می‌نوشتند. وی در دروس این بزرگان شرکت کرد:

۱. آیه‌الله خوئی، (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق)

۲. آیه‌الله حکیم، و نگارش تقریرات، (۱۳۰۶-۱۳۸۹ق)

۳. آیه‌الله شیخ محمد طاهر آل راضی (۱۳۲۲-۱۴۰۰ق) و نوشتن بحث‌های ایشان

مطالب فقهی مهمی از استادان خود نگاشته، بحث‌های سترگی همچون قاعده لا ضرر، معاطات، قاعده فراغ و تجاوز و... از وی به یادگار مانده که در حال تصحیح و آماده‌سازی برای چاپ است. خود در این باره می‌گوید:

زمانی که سطوح را به پایان رساندم، به شاگردی نزد معلم مجتهدان و بزرگ علوم حضرت آیه‌الله خوئی رحمته‌الله مشغول و بیست سال در دروس ایشان حاضر شدم و مباحث علمی و مهم وی را در فقه و اصول نوشتم که به صورت مخطوط در کتابخانه امام حسن علیه السلام در نجف نگهداری می‌شود.

علامه قرشی از استادان خود به نیکی یاد کرده، سیره و منش وی از آنان تأثیر پذیرفت، شخصیت علمی و عملی‌اش از ایشان رنگ و بو گرفت، بسیاری از فضائل و اخلاقیات سخن می‌گفت، از جمله:

۱. آیه‌الله سید محمود مرعشی شوشتری: وی به تربیت اخلاق شاگردان و طلابش همت گماشته، همگان از اخلاق عالی و الایش که استاد بدان آراسته بود، بهره‌مند می‌گشتند.

۲. آیه‌الله شیخ محمد طاهر آل راضی (م ۱۴۰۰ق): علامه قرشی وی را از آیات عظام بر شمرده، از شیوه و ملکات علمی برجسته‌اش استفاده‌ها کرده، در استاد شایستگی و قابلیت‌های علمی می‌دید که وجود آنها در دیگران

کمتر مشاہدہ می شد. علامہ بسیار استاد را دوست داشت و مناقب و خصال ستوده و افکار علمی اش را بازگویی می کرد. خود در این باره می گوید:

استاد محمد طاهر شیخ راضی در نجف از ہمدان و نزدیکانم بود کہ چهل سال در خانہ نشست و بہ تحقیق و مطالعہ درزمینہ فقہ، فلسفہ جدید و قدیم، اصول و ادبیات عرب پرداخت و آثار ارزشمندی تألیف کرد. ایشان انسان با تقوای بود کہ ہر کس مجذوب سلوک و رفتارش می شد. با شہید محمد باقر صدر نیز از طریق برادرش شیخ ہادی مراداتی داشتم و از دیدگاہ ہای وی در برخی آثارم بہرہ بردہ ام. با سید حسن امین، ارتباط داشتیم و ایشان در دایرۃ المعارف الاسلامیہ مقالاتی از بندہ منتشر کرد. ہمچنین در نجف با علما و طلاب در ارتباط بودیم و در بحث ہای دینی در زمان اختناق صدام مخفیانہ شرکت می کردیم.

۳. آیۃ اللہ سید عبد الکریم سید علی خان: علامہ وی را قلہ ورع و تقوا و علم نام می برد.

۴. آیۃ اللہ سید علی شبر: علامہ از معنویات و دانش استاد گرامی اش تأثیر پذیرفتہ، فراوان از او بہرہ و استفادہ بردہ، بارہا می گفت کہ جزء عالمان برجستہ و بزرگ است.

۵. آیۃ اللہ شیخ حسین خلیفہ (۱۳۲۱-۱۴۲۶ق): علامہ از خردسالی با استادش رشد و نمو کردہ، زمانی طولانی ملازم و ہمراہش بودہ، بہ تعبیر خویش در او روح زہد و تقوا و علم و قداست می دید.

۶. آیۃ اللہ شیخ محمد حسین کاشف الغطا: علامہ قرشی در مدرسہ وی رشد و نمو کردہ، از ملکات فکری و علمی و ادبی استاد بہرہ گرفتہ، بسیاری از دادہ ہای ادبی ایشان را حفظ کرد. متقابلاً استاد بر کتاب شاگرد (حیۃ الامام

الحسن علیہ السلام) مقدمہ مهم و ارزندہ ای نوشت.

۷. آیۃ اللہ سید باقر شخص: روح پشتکار و اجتہاد و داد و دہش علمی را در استادش دیدہ، مسلک تقوا و زہد را از او آموختہ، سادہ زندگی کردن را از وی فرا گرفت.

تدریس علامہ قرشی بسیار مراقب و مواظب وقت و عمر خویش بود. هیچ فرصتی را ضایع نکرد و وقتی را از دست نداد، چنان کہ تن پروری و راحت طلبی را از خود راندہ بود. شیوہ و سبکی در درس دادن داشت کہ شاگردان خود را بدان توصیه می کرد کہ عبارت بود از:

۱. فراگیری ہر کتابی را کہ بہ پایان می رساند، آن را تدریس می کرد.

۲. در مطالعہ ہر کتاب، از صفحہ ای بہ صفحہ بعد نمی رفت مگر این کہ یقین داشت آن صفحہ را خوب خواندہ و فہمیدہ است.

۳. در روز بیشتر از دو درس نمی رفت.

۴. ہر درس را ہر روز بدون استثنا مباحثہ می کرد.

این شیوہ خستگی ناپذیر و نستوہ شبانہ روزی اش بود. از این رواج آغاز طلبگی و پس از یادگیری ہر کتاب، بہ تدریس آن می پرداخت، چنان کہ این کتب را درس داد:

۱. الفیہ ابن مالک. حلقہ درس وی بسیار بزرگ و بی پای بودہ، کتابی در شرح مشکلات و پیچیدگی ہای نحوی نوشت؛

۲. منطق، چنان کہ یکی از آثار و کتب وی، توضیح منطق است؛

۳. اللعۃ الدمشقیہ؛

۴. مکاسب. چندین دورہ، طلابی از کشور ہای بحرین و لبنان و عربستان و ملیت ہای دیگر در این درس داشتہ است.

۵. تدریس چند دوره کفایه الاصول؛

۶. خارج فقه و اصول از متون جواهر الکلام و حقائق الناظره.

تدریس وی تا اواخر عمر و هنگام بیماری که منجر به وفات ایشان شد، ادامه داشت و آن را واجبی شرعی دانسته، طلاب را تشویق و ترغیب می کرد از درس و فراگیری باز نایستند.

شاگردان

طلاب فاضل و ارزنده ای به دست علامه قرشی پرورش یافتند که با افتخار و سربلندی به نشر و بیان آرا و اندیشه های استاد می پرداختند، چنان که از اخلاق و الا و تواضع ستودنی علامه قرشی بهره مند گشتند. شاگردان ایشان بسیار بوده، متأسفانه اسامی بسیاری ثبت نشده، اما به گفته فرزند

علامه (شیخ مهدی) برخی از اینان عبارت اند از:

۱. شیخ محمد باقر ناصری عراقی (متولد ۱۳۵۰ق)؛

۲. محمد علی کرمی اهوازی (۱۳۵۷ق)؛

۳. شیخ محمد سعید نعمانی^۷ (زنده تا ۱۴۳۹ق)؛

۴. سید محمد باقر صالح حکیم (۱۳۵۸-۱۴۲۴ق)؛

۵. شیخ عباس کاشف الغطاء (۱۳۸۰ق)؛

۶. سید محمود غریفی (۱۳۹۱ق).

فعالیت های اجتماعی سیاسی

در زمان عبدالکریم قاسم (حاکم وقت عراق) تفکرات کمونیستی در حال گسترش بود و طرفداران این مکتب سمینارها و مراسمی برگزار می کردند و در تمام محافل و گردهمایی ها شرکت می کردند و در همه خیابان ها و محله ها شعارهای کمونیستی، بر در و دیوار، نصب می کردند. علامه قرشی همراه برخی علما و طلاب به مقابله با کمونیسم و طرفداران آن پرداخت و با سخنرانی ها و اعلامیه های مختلف سعی بر آگاه کردن اقشار و عامه

۷. از علمای مقیم تهران، شاغل در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

مردم داشت.

اقدامات فرهنگی

علامه قرشی از دهه دوم عمر شریفش و در مرحله فراگیری دروس سطح حوزوی، به فعالیت های فرهنگی پرداخت، مشارکت و سهم بسیار و گسترده در امور فرهنگی و مطبوعات داشت. عضو انجمن ادبی شده در کانون ها و گردهمایی های ادبی شرکت جسته، در رثای درگذشت آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی^۸ مطالبی گفته است. در دهه پنجاه و شصت میلادی شاهد حضور فعال وی در این گونه مجالس و محافل ادبی فرهنگی هستیم. خود می گوید:

بنده حتی یک بیت شعر نسروده ام، اما اشعار بسیاری را از بر کرده ام و در زمینه های مختلف ادبی آثار بسیاری را خوانده ام. کسانی که آثار، دیدگاه ها و آرای آن ها را همیشه مطالعه کرده ام؛ عباس محمود عقاد، طه حسین و احمد حسن الزیات هستند.^۹

جنبش علمی وی از این زمان به بعد رنگ و بوی پژوهشی دانشگاهی به خود گرفته، بر اثر ملاقات با شهید سید محمد باقر صدر^{۱۰} به تدوین تاریخ اسلام و سخنرانی در این باره در جمعیت ها و مراکز اسلامی علمی پرداخته و تا هنگام درگذشت با نگارش مجموعه مؤلفات ارزشمند به غنای آثار اسلامی مدد و یاری می رساند.

دیدار با شهید محمد باقر صدر در علامه قرشی از ایام جوانی به بحث و تألیف علاقه مند و راغب بود، به ویژه در بحث های علوم قرآنی و تفسیر. رابطه وی با شهید صدر محبت آمیز و گرم بود و درباره معارف اسلامی

۸. مجله کتاب ماه دین، ش ۱۲، سال ۱۳۸۲ش.

تبادل آرا و نظری می کردند. روزی که هر دوازنگارش و تألیف صحبت می کردند، علامه قرشی گفت: مایلیم درباره علوم قرآن کریم کتاب بنویسم اما شهید صدر پاسخ داد: کتاب های بسیار و پربار در این باره نوشته شده، ولی در مورد سیره و منیش اهل بیت علیهم السلام که همسنگ و همطراز قرآنند، کمتر نگاشته شده، مایلیم درباره سیره آنان بنویسی تا کتب اسلامی در این باره پربار و غنی گردد چنان که من در مورد اقتصاد و فلسفه نگاشته ام. علامه قرشی نظر شهید صدر را پسندیده، سه روز بعد از ملاقات، شروع به تألیف درباره سیره ائمه علیهم السلام کرده، دیدار بابرکت این دو شخصیت، به ثمر و نتیجه نشسته، در ملاقات های پیاپی بعدی، از آرا و اندیشه های خود استفاده کرده، در روزی که علامه قرشی بیمار بود و شهید صدر به عیادت وی رفت، بدو گفت که از کتاب العمل و حقوق العامل فی الإسلام^۹ وی بهره بسیار برده است.

علامه قرشی در این باره می گوید:

به طور کلی آثار و منابع ارزشمند و به روز درباره سیره ائمه اطهار علیهم السلام کم است و کمتر به صورت جدی به این موضوع پرداخته شده. اما این مسأله درباره قرآن کریم مصداق ندارد، چرا که آثار متعدد و ارزشمندی از تفسیر گرفته تا علوم قرآنی تألیف شده و بدیهی است که سیره امامان نشأت گرفته از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و شیعیان امامیه همواره به سیره ائمه علیهم السلام علاقه و توجه فراوانی داشته اند.

روزی من همراه برادرم شیخ هادی قرشی نزد شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر بودیم که بحثی درباره اهل بیت علیهم السلام پیش آمد و ایشان گفتند

۹. کار و حقوق کارگر در اسلام.

که درباره اهل بیت علیهم السلام آثار علمی نگارش نیافته و آثاری که تا کنون منتشر شده، به صورت علمی و روشمند نیست. این مسائل و عشق و علاقه فردی من به ائمه اطهار علیهم السلام مرا بر آن داشت که به تحقیق و پژوهش درباره ایشان علیهم السلام بپردازم. همواره تلاش می کردم که بتوانم اثری تألیف کنم تا برای نسل امروز مفید و سودمند باشد. بخش هایی از این آثار به فارسی و اردو ترجمه شده و در قم به چاپ رسیده است. همچنین بخش هایی به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است.^{۱۰}

آثار از علامه قرشی با عنوان «شیخ المؤرخین و المحققین» یاد شده، تاریخ اسلام را به گونه گسترده و تحلیلی به دور از جانبداری و تعصب بررسی کرده و نگاشته، شیوه علمی و دانشگاهی ستودنی داشته، دانشنامه بزرگ و سترگی درباره سیره اهل بیت علیهم السلام نوشته، شیوه و سبکی علمی پژوهی بی مانند در عصر حاضر بوده، خوانندگان از اسلوب جذاب و زیبای آن لذت وافر علمی برده اند. از این رو دانشنامه وی از شمار منابعی است که دوست و دشمن بدان مراجعه و استناد کرده، مورد استفاده دانش پژوهان حوزوی و سخنرانان و ادیبان و تاریخ پژوهان است که پس از چندین چاپ، به زبان های فارسی و انگلیسی ترجمه شده است. در همین حال با مطالعه و تحقیق درباره مکتب کمونیسم و سوسیالیسم به نگارش کتاب العمل و حقوق العامل فی الاسلام مشغول شد که بازتاب خوبی داشت، حتی در کشورهای دیگر از آن استقبال شد و به دوازده زبان ترجمه گشت و چند بار در ایران، عراق و لبنان به چاپ رسید. پس از آن کتاب فی أنظمه الحكم والإدارة را تألیف

۱۰. کار و حقوق کارگر در اسلام.

و منتشر کرد که بسیار مورد توجه و استقبال دانشمندان قرار گرفت و به زبان انگلیسی ترجمه شد و هم اکنون در برخی دانشگاه‌ها و مراکز علمی تدریس می‌شود. پس از آن کتاب النظام التربوی فی الاسلام را تألیف کرد که این اثر نیز به زبان‌های مختلفی ترجمه و منتشر شده و در دانشگاه ریاض عربستان سعودی تدریس می‌شد.

علامه قرشی دانشنامه‌ای نیز در علوم انسانی به صورت مقارنه‌ای و مقایسه‌ای با حقوق بشر کنونی دارد که درباره این موضوعات است: تربیت، اجتماع، خانواده، کار، سیاست و حکومت، که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. خود در این باره می‌گوید:

از آثار دیگر می‌توانم به نظام الاسره فی الاسلام و النظام السیاسی فی الاسلام اشاره کنم که اثر دوم از مجموعه تحقیقات و مطالعاتم در زمان تألیف کتاب سیره الائمة الطاهرین است. سیره الائمة الطاهرین که زمان زیادی از زندگی من صرف آن شد، ۴۳ مجلد است. این تقریباً شرح کوتاهی از آثار من بود. شاید بیشتر از آثاری که نام بردم، مقدمه نوشته‌ام که خود می‌تواند در دو یا سه مجلد با عنوان «هنا و هناك» به چاپ برسد.

در روزگاری که کمونیسم در عراق در حال گسترش بود و اندیشه‌های کمونیستی در میان مردم و جامعه رواج می‌یافت، تصمیم گرفتم تا در سایه منطق در خصوص تأثیرات و ذو وجوه بودن دین اسلام کتابی را بنویسم. این دواثر و آثار دیگرم را با این هدف دنبال می‌کردم که نشان دهم دین اسلام، دینی است که به تمام امور و ابعاد انسانی توجه دارد و به انسان از جهات مختلف توجه می‌کند و این که اسلام دینی است که

به وحدت و همگرایی می‌اندیشد، نه به تفرقه و اختلاف. در این راه تلاش کردم تا مفاهیم اسلامی با ابعاد سیاسی و اجتماعی آن بررسی شود که در محافل فرهنگی با اقبال خوبی مواجه شد و مردم نیز به مطالعه آن‌ها توجه زیادی نشان دادند، همچنان که در سطح کشورهای اسلامی استقبال شد و علما، پژوهشگران و متفکران جهان اسلام نیز آن آثار را در رد و مقابله با آرا و دیدگاه‌های کمونیستی و ارائه اندیشه‌های اسلامی، موفق ارزیابی کردند.

کتاب العمل و حقوق العامل فی الاسلام با توجه به ماهیت بحثش در زمان گسترش کمونیسم دارای بیشترین مخاطب بود و در محافل فرهنگی اسلامی عراق دارای بازتاب فراوانی بود. بعد از آن کتاب النظام التربوی فی الاسلام نیز از زمان انتشارش مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفت. پیش از تألیف این آثار مطالعات فراوانی در خصوص کمونیسم داشتم و سعی کردم از تعصب و یک‌جانبه‌گرایی پرهیز کنم و نشان دهم که این مکتب در آینده با فروپاشی مواجه خواهد شد.

کتاب العمل و حقوق العامل فی الاسلام در ایران و پاکستان نیز مورد توجه قرار گرفت و فصل‌هایی از این کتاب در مجله برید الشرق در آلمان منتشر و بررسی و تحلیل شد. درباره این بخش از آثارم گفتن یک نکته خالی از فایده نیست، بنده و مرحوم علی محمود عباس العقاد، دانشور فقید مصری، آثاری در زمینه نقد اندیشه‌ها و آرای کمونیستی منتشر کردیم و به تبع آن آثار دیگری در این زمینه نیز تألیف شد؛ رادیو مسکو با نقد ورد آثار و دیدگاه‌های

ما به بنده لقب مرتجع و واپسگرا داد و به عباس عقاد گرگ آمریکایی، اما این تقدیرها و تمجیدها از یک سو و اهانتهای و حملات برخی از سوی دیگر برای من اهمیتی نداشت. مسأله‌ای که دنبال آن بودم توجه و خدمت به اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام بود.

موسوعه (دانشنامه) اهل بیت
معصومان علیهم‌السلام معدن علم و نور و حکمت‌اند. علامه قرشی رحمته‌الله در عشق و علاقه بدینان و ولایتشان ذوق گشته، در علوم و گنجینه‌هایشان ژرف اندیشی کرده، بیش از نیم قرن در این باره اندیشه و نگاشته، می‌گوید:

وقتی درباره سیره امامی از امامان دوازده گانه بحث و جستجوی کردم، هاله‌ای از علم و نور و بخشش و دهش و صفحاتی درخشان و تابناک از انسانیت و تقوا و زهد می‌دیدم. اهل بیت علیهم‌السلام در وجود نسخه بدل ندارند.

شیخ مهدی قرشی در این باره می‌نویسد:

شبانه روز و با نهایت تلاش و کوشش به نوشتن درباره زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌پرداخت. به کتابخانه‌اش می‌رفت و در اتاقی در طبقه بالا می‌نشست که در تابستان بسیار گرم بود! فقط پنکه کوچکی داشت. در چاه سقف رami گشود تا هوا وارد شود. برایش شدت گرما یا سرما مهم نبود؛ بلکه کار و هدف و الایش مهم بود که تکمیل دانشنامه سیره اهل بیت علیهم‌السلام باشد. عشق و حب ربانی به اهل بیت علیهم‌السلام گران‌بهارترین چیز نزد او بود. گونه دیگری از عشق و ولایت در او می‌دیدیم. در ایام جنگ و بمباران، شهر نجف اشرف و هیاهوی انفجارها خانه می‌لرزید اما می‌دیدیم علامه در

اتاقکش نشسته و درباره امام رضا علیه‌السلام پژوهش می‌کند و می‌نگارد. می‌گفتم: از اتاق بیرون آید و خانه را ترک کنید، بر جان شما می‌ترسیم، اما اهمیت نمی‌داد و همچنان مشغول نوشتن بود. گویا آن صداها و وحشتناک را نمی‌شنید!

وی می‌افزاید:

اهتمام و اهمیت به وقت و وقت شناسی‌اش، نیز ژرف پژوهی‌اش در علوم اهل بیت علیهم‌السلام مثال‌زدنی بود. یک سال پیش از درگذشت، دخترش بیمار شد؛ دختری که مخلصانه به پدر خدمت می‌کرد و پدر نیز متقابلاً بدو علاقه داشت و قدرش را می‌دانست. نیم ساعت پیش از درگذشت دختر، علامه از خانه بیرون رفت مبادا متأثر گردد! در آن حالت عصبی، دفتر و قلمش را برداشت. آن زمان درباره «احسان و نیکی در مکتب اهل بیت» می‌نوشت. به منزل پسرش حاج محمد حسین رفت. وقتی خبر درگذشت دخترش را شنید، غمناک و متأثر گشت اما همچنان تا طلوع فجر به نوشتن ادامه داد، چنان‌که در زمان بیماری منجر به درگذشت خویش در حال شدت درد هم قلم و کاغذ را کنار نگذاشت و می‌گفت: سعادت و شادمانی‌ام نوشتن درباره ائمه علیهم‌السلام است. روزی دیدیم دست به آسمان بلند کرده، از خدا سلامتی می‌خواست و به من گفت: از خدا سلامتی خواستم، فقط برای این که فرصت یابم درباره آموزه‌ها و میراث فرهنگی اهل بیت علیهم‌السلام بنویسم.^{۱۲}

علامه قرشی مقالات متعددی درباره شخصیت‌های علمی جهان اسلام دارد، از جمله:

۱. شیخ کلینی رحمته الله علیه (۳۲۹ق)؛

۲. شیخ طائفه طوسی رحمته الله علیه (۴۶۰ق)؛

۳. آیه الله سید عبدالحسین شرف الدین رحمته الله علیه (۱۲۹۰-۱۳۷۷ق)؛

۴. آیه الله سید محسن حکیم رحمته الله علیه (۱۳۰۶-۱۳۸۹ق)؛

۵. آیه الله خوئی رحمته الله علیه (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق)؛

۶. آیه الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء رحمته الله علیه (۱۲۹۴-۱۳۷۳ق)؛

۷. آیه الله شیخ محمد طاهر آل راضی رحمته الله علیه (۱۳۲۲-۱۴۰۰ق)؛

۸. آیه الله سید ناصر السلمان الأحسائی رحمته الله علیه؛

۹. آیه الله سید محمد باقر الشخص الأحسائی رحمته الله علیه (۱۳۱۵-۱۳۸۱ق)؛

۱۰. آیه الله شهید سید محمد باقر الصدر رحمته الله علیه (۱۴۰۰ق)؛

۱۱. آیه الله شیخ میرزا جواد التبریزی رحمته الله علیه؛

۱۲. آیه الله شیخ محمد علی العمری المدنی رحمته الله علیه (۱۳۲۷-۱۴۳۲ق)؛

۱۳. آیه الله شیخ محمد حسن المظفر رحمته الله علیه (۱۳۰۱-۱۳۷۵ق)؛

۱۴. آیه الله شیخ حسین الخلیفة الأحسائی رحمته الله علیه (۱۳۲۱-۱۴۲۶ق)؛

۱۵. علامه شیخ بلاغی رحمته الله علیه (۱۲۸۲-۱۳۵۲ق)؛

۱۶. خطیب علامه شیخ الوائلی رحمته الله علیه (۱۳۴۶-۱۴۲۳ق)؛

۱۷. خطیب شهید شیخ محمد حیدر رحمته الله علیه؛

۱۸. علامه شیخ الفرطوسی رحمته الله علیه (۱۳۳۵ق)؛

۱۹. علامه حسین علی محفوظ رحمته الله علیه؛

۲۰. علامه سید عبد الزهراء الخطیب رحمته الله علیه (۱۳۳۹-۱۴۳۱ق).

تاکنون حدود صد اثر از این محقق به چاپ رسیده است:

۴۶ اثر راجع به اهل بیت علیهم السلام و بقیه راجع به ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تربیتی و... اسلام است. ایشان موسوعة الامام الصادق را که در هفت مجلد به چاپ رسیده، بهترین کتاب خود که زحمت زیادی برای آن کشیده اند می دانند.

آثار چاپ شده

۱. حیات المحرر الاعظم الرسول الاکرم محمد صلی الله علیه و آله - ۴ ج، چاپ ششم، چ مهر، قم، ۱۴۲۵ق.

در سیره رسول الله صلی الله علیه و آله که وقت بسیار از من گرفت، اخبار و روایاتی را آورده ام که برای خواننده اطمینان بخش است و در آن ها از اغراق و غلو و نقل مسائل غیر متعارف پرهیز کرده ام. در نگارش این کتاب از موثق ترین منابع شیعه و سنی بهره برده ام. در این کتاب در مورد شخصیت پیامبر و صفات و ویژگی های منحصر به فرد او، خصائص وجودی ایشان همچون حلم، اخلاق والا، اراده قوی، شجاعت، خیر خواهی، وفای به عهد و دیگر سجایای اخلاقی ایشان سخن گفته شده است. در بررسی روایات و اخبار مربوط به سیره پیامبر طبق معیار و ملاک مورد قبول شیعیان عمل کرده ام و اگر در آن ها انحراف از سنت هستی و یا شیوه زندگی یا مغایرت با سیره و آموزه های ائمه اهل بیت می دیدم، آن ها را کنار می گذاشتم. روش کار من در این کتاب و سایر کتاب های که درباره سیره پیامبر و اهل بیت به رشته تحریر در آورده ام، نقل تاریخی همراه بررسی و تجزیه و تحلیل آن ها است.

۲. موسوعة امیر المؤمنین علیه السلام - ۱۱ ج، چاپ چهارم، دارالحسین ۱۴۲۳.

۳. حیات سیده النساء فاطمه الزهرا علیها السلام، چاپ نهم، چ دارالحسین، ۱۴۲۴ق.

۴. حیات الامام الحسن علیه السلام - ۲ ج، چاپ دوازدهم، چ الآداب، نجف، ۱۳۷۵ق.

۵. حیات الامام الحسین علیه السلام - ۳ ج، چاپ شانزدهم.

علامه درباره این کتاب می گوید: این کتاب ارزشمند در سه مجلد است و پنج بار تجدید چاپ شده است. تلاش کردم در این اثر درباره قیام امام حسین علیه السلام به مباحثی

که پیش از این ارائه نشده و مغفول مانده بپردازم. از جمله این مباحث دلیل هجرت امام علیه السلام به عراق است و این که چرا امام به یمن یا ایران یا مناطق دیگر سفر نکرد. همچنین درباره انگیزه‌های درونی امام علیه السلام در قیام بحث شده است. از مباحث دیگر، بحث درباره نحوه به قدرت رسیدن یزید و پدرش معاویه و پیشینه آن‌هاست که کمتر به ماهیت آن توجه شده است. این دو و پدرشان ابوسفیان بزرگ‌ترین دشمنان اسلام بودند که در مقابل اسلام ایستادند و از توسعه و گسترش آن جلوگیری کردند. با مطالعه و تحقیق در آثار قیام عاشورا و بررسی اهداف دشمنان امام علیه السلام به تألیف این اثر پرداختم و زندگی، سرگذشت شهادت و روزگار ایشان را از ابعاد مختلف بررسی و تحلیل کردم. این اثر در حدود دویست صفحه یا بیشتر ضمیمه دارد.

۶. موسوعة الإمام جعفر الصادق علیه السلام، ۹ ج، چاپ ششم، مهر، قم، ۱۴۲۸ق.

علامه می‌گوید: در این اثر درباره زندگی و حیات علمی و علمی که امام در آن مهارت و تخصص داشت مانند شیمی، فیزیک، فقه، طب، حدیث و جز آن بحث می‌شود. همچنین درباره دانشگاه امام صادق علیه السلام که چهار هزار طلبه و دانشجو داشت - و برخی معتقدند طلبه‌ها و دانشجویان مکتب امام قابل شمارش نیست - دیدگاه‌هایی ارائه شده است. درباره تعداد دانشجویان امام صادق علیه السلام به پژوهش و کاوش پرداختم و نزدیک به دو سال به تتبع در آثار رجال‌شناسی پرداختم و مجموعه عظیمی از شاگردان ایشان را شناسایی کردم که تعدادشان ۳۶۵۲ دانشمند بود که این تعداد تنها بخشی از شاگردان ایشان بودند.

۷. حیات الامام محمد الباقر علیه السلام - ۲ ج، چاپ هفتم، چ القضاء، نجف، ۱۳۹۸.

دو جلد از دانشنامه سیره اهل بیت است که سال

۱۴۳۰هـ/۲۰۰۹م چاپ شده، هر دو جلد بیش از هشتصد صفحه بوده، دارای مطالب ارزنده‌ای است که در مقایسه با آثار مشابه از محتوای متفاوت برخوردار است.

در جلد نخست افزون بر شرح گفتار درباره ولادت حضرت و اطلاعات شخصی، به معرفی خانواده (پدر، مادر، خواهران، برادران و فرزندان) پرداخته، نظر افراد سرشناس در مورد امام را آورده، درباره اخلاق و منش حضرت، نیز دانش گستره ایشان و ملقب گشتن به «باقر» شکافنده علم» داد سخن داده، گفتار مفصلی درباره برادر امام، زید بن علی علیه السلام و قیامش بر ضد امویان دارد، همچنین به سجایا و خصال حضرت می‌پردازد، نیز از نبوغ و داد و دهش‌های حدیثی ایشان در زمینه‌های گوناگون از جمله فقه، قرآن، کلام (عقاید)، پیشگویی‌ها (ملاحم)، اصول فقه، اقتصاد و... سخن می‌گوید. ضمن بحث از شاعران اهل بیت به ویژه «کمیت اسدی» نام و یاد می‌شود.

در جلد دوم به معرفی حاکمان اموی معاصر امام پرداخته، ویژگی‌ها و گزارش‌های ارزنده از اوضاع و احوال زمان حضرت تقدیم شده، فرقه‌های مذهبی و گروه‌های سیاسی معرفی گشته، به جعل و جاعلان حدیث پرداخته، نیز از قیام‌های سیاسی یاد می‌شود. در ادامه یاران و راویان احادیث امام (حدود ۵۰۰ نفر) معرفی شده، چگونگی شهادت حضرت بررسی می‌شود.

۸. حیات الامام زین العابدین - ۲ جلد، چاپ هشتم، چ دار اضاء، بیروت، ۱۴۰۹ق.

علامه می‌گوید: با کاوش در حیات ایشان به این نتیجه رسیده‌ام که برخلاف برخی دیدگاه‌ها که زندگی امام را در شب‌زنده‌داری، عبادت و گریه برای فاجعه کربلا خلاصه می‌کنند، امام علیه السلام افزون بر این ویژگی‌ها، بانی تمدن اسلامی و سازنده دوباره اسلام بود و در شهر مدینه،

۲۶. النظام الاقتصادي في الاسلام، چاپ دوم.
۲۷. انظمة الحكم والادارة في الاسلام، چاپ سوم، ترجمه به فارسی توسط عباسعلی سلطانی، چ بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۸. العمل وحقوق العامل في الاسلام، چاپ پانزدهم.
۲۹. هذه هي الشيعة، چاپ دهم، چ امیر، قم ۱۴۱۸ق.
۳۰. بحوث عقائدية مقارنة.
۳۱. الشيعة والصحابه، چ امیر، قم، ۱۴۱۸ق.
۳۲. السجود على التربة الحسينيه، چاپ سوم، تهران، ۱۴۱۸.
۳۳. أضواء على زيارة أهل القبور، چاپ سوم، ۱۴۱۸.
۳۴. سلامة القرآن من التحريف، چاپ دوم، ۱۴۱۸.
۳۵. حياة أم المؤمنين السيدة خديجة، چاپ دوم.
۳۶. حياة السيدة فاطمة بنت أسد.
۳۷. حياة السيدة أم البنين، چاپ سوم.
۳۸. حياة الشهيد الخالد زيد بن علي، چاپ هفتم.
۳۹. نفحات من سيرة أئمة أهل البيت، چاپ هشتم.
۴۰. التوحيد في مدرسة أهل البيت، چاپ هفتم.
۴۱. الايثار والبر بالفقراء في سيرة النبي ﷺ وأهل بيته.
۴۲. التماسك الاجتماعي والمناهج السلوكية في مدرسة اهل البيت ﷺ، ۲۰۱۱م.
۴۳. الإمامة في مدرسة أهل البيت ﷺ، چ نجف ۱۴۲۹ق.
۴۴. الاحسان في رحاب أهل البيت ﷺ، ۱۴۲۳ق.
۴۵. المآسى المروعة للإمام أمير المومنين، چ دارالجواد الائمة، بيروت ۱۴۲۶ق.
۴۶. مآسى بضعة الرسول، چاپ دوم.
۴۷. المآسى المروعة لبنات الرسول.
۴۸. موجز الأحداث الجسام في الإسلام، چاپ دوم.
۴۹. زيارات الإمام الحسين نصر للإسلام، چاپ سوم، ۲۰۱۱م.

- مرکز علم واندیشه بنانهاد وجوانان را برای حضور در این مرکز و تحصیل علم و اخلاق تشویق می کرد و نزدیک به دویست دانشمند از این مرکز فارغ التحصیل شدند که به تفصیل درباره این مرکز، حضور امام در آن و زندگی علمی ایشان بحث شده است.
۹. حياة الامام موسى بن جعفر ﷺ - ۲ ج، چاپ دوازدهم، چ الآداب نجف، ۱۳۹۰.
۱۰. حياة الامام الرضا ﷺ - ۲ ج، چاپ پنجم، چ نجف، ۱۴۲۹.
۱۱. حياة الامام الجواد ﷺ، ۱ ج، چاپ ششم.
۱۲. حياة الامام الهادی ﷺ، چاپ هفتم.
۱۳. حياة الامام الحسن العسكري ﷺ، چاپ هفتم.
۱۴. حياة الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشرف، چاپ ششم.
۱۵. العباس بن علي رائد الكرامة والفداء في الاسلام، چ بيروت، ۱۴۰۹.
۱۶. حياة الشهيد الخالد مسلم بن عقيل ﷺ، چاپ ششم.
۱۷. السيدة زينب رائدة الجهاد في الاسلام، چاپ دهم، چ شریعت، قم ۱۴۲۷.
۱۸. أهل البيت في رحاب القرآن، ۱۴۱۸ق.
۱۹. أهل البيت في ظلال السنة النبويه، ۱۴۱۸ق.
۲۰. أخلاق النبي وأهل بيته، چاپ هشتم، ۱۴۳۲ق.
۲۱. مؤتمر السقيفة: دراسه موضوعيه لأخطر حادث في تاريخ الاسلام السياسي، چ شریعت، قم ۱۴۲۶ق.
۲۲. النظام السياسي في الاسلام، چاپ سوم، نجف.
۲۳. النظام التربوي في الاسلام، چاپ دهم.
۲۴. النظام الاجتماعي في الاسلام، چاپ دوم، دار المرتضى، بيروت ۱۴۱۴ق.
۲۵. نظام الاسرة في الاسلام، چاپ پنجم، دار الاضواء، بيروت ۱۴۱۳ق.

۵۰. ولاء الشيعة للإمام الحسين.
۵۱. براءة الشيعة من الغلو والغلاة، چاپ دوم، ۱۴۱۸.
۵۲. الدروس المنطقية.
۵۳. شرح كفاية الأصول، ۴ جلد، ۱۳۶۸ق.
۵۴. حاشية على المكاسب للشيخ الأنصاري.
۵۵. حاشية على اللمعة الدمشقية.
۵۶. شرح الألفاظ النحوية.
۵۷. كتاب الصوم من تقارير أستاذه آية الله السيد الخوئي.
۵۸. معاوية بن أبي سفيان.
۵۹. مروان بن الحكم، ۱۴۳۲.
۶۰. خالد بن الوليد.
۶۱. المغيرة بن شعبه.
۶۲. عبد الله بن الزبير، نجف ۱۴۲۹.
۶۳. عبد الله بن عمر.
۶۴. عمرو العاص.
۶۵. المنصور الدوانيقي.
۶۶. هارون العباسي.
۶۷. المتوكل العباسي.
۶۸. المختار الثقفي - ثورة وجهاد - چاپ چهارم، ۱۴۳۲ق.
۶۹. أبوبال مؤمن قریش.
۷۰. الإسلام منهج مشرق في الحياة، چاپ شریعت، قم ۱۴۲۵ق.
۷۱. مقومات الحياة الاجتماعية في الإسلام.
۷۲. القيم الحضارية عند أهل البيت.
۷۳. المعالم الحضارية في نهج البلاغة.
۷۴. شرح العهد الدولي للإمام أمير المؤمنين لمالك الأشتر، چ ۲۰۱۱م.
۷۵. مناهج حكومة الإمام أمير المؤمنين، ۱۴۳۲ق.
۷۶. مؤتمر السقيفة والشورى، چاپ سوم، شریعت قم ۱۴۲۶ق.
۷۷. أضواء على السياسة العادلة والظالمة.
۷۸. الفقه الإسلامي، تأسيسه، اصالت، مدارك، چاپ پنجم.
۷۹. قاعدتي الفراغ والتجاوز.
۸۰. المكاسب المحرمة.
۸۱. الإسلام وحقوق الانسان، چاپ دوم.
۸۲. قبس من سنن الأنبياء.
۸۳. المرأة في رحاب الإسلام، چ ظهور ۱۴۲۶ق.
۸۴. نصائح وتجارب للحوزة العلمية.
۸۵. الأخوة الإسلامية في منظر أئمة أهل البيت، چاپ مشعر، تهران ۱۳۸۶ش.
۸۶. مع الشباب مودة ونصائح.
۸۷. الصداقة في مدرسة أهل البيت، چاپ دوم.
- تاكسون بخشي از اين آثار به زبان های مختلف ترجمه شده كه در مراكز مختلف علمي استفاده شده‌اند. از جمله كتاب هاي كه تاكنون به زبان فارسي ترجمه گرديده‌اند:
- زندگانی امام حسن علیه السلام، فخرالدین حجازی؛
- تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، محمدرضا عطایی؛
- تحلیلی از زندگانی امام کاظم علیه السلام، محمدرضا عطایی؛
- پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، سید محمد صالحی؛
- تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، محمدرضا عطایی؛
- زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، سید حسن اسلامی؛
- زندگانی امام باقر علیه السلام، دو جلد، عبدالله امینی پور؛

ترجمه‌ای دیگر با عنوان تحلیلی از زندگی امام حسن عسکری (ع)، محمدرضا عطائی؛
زندگانی حضرت ابوالفضل العباس، سید حسن اسلامی؛
حقوق کارگزار دیدگاه سرمایه‌داری، کمونیسم و اسلام،
هادی انصاری.

دشواری‌های نگارش
علامه قرشی در نجف اشرف برای پژوهش و تألیف، به منابع اندکی دسترسی داشت، از این رو به بغداد و دیگر شهرها بسیار سفر می‌کرد. وقتی درباره زندگی نوّه گرامی پیامبر اکرم (ص) امام حسن مجتبی (ع) تحقیق می‌کرد، بسیار به بغداد می‌رفت و در کتابخانه‌های آن دیار کنکاش می‌نمود، در نتیجه به منابع مهمی دست یافت که در پاسخ به شبهه تعدد همسران امام بدو بسیار یاری رساند. علامه قرشی در نجف اشرف، از صبح تا شب در کتابخانه کاشف الغطا بود و شبیه مقیم آنجا گشته بود! در کتابخانه آیه الله حکیم در گنجینه مخطوطات جستجو می‌کرد و از بسیاری از منابع عکس برداری نمود. در کتابخانه امام امیرمؤمنان (ع) علامه امینی (رح) زمانی بسیار همراه دوستش محقق بزرگ، شیخ محمدباقر محمودی (م ۱۳۸۵ش) به سر بُرد. خادم کتابخانه می‌گفت: «سخت‌ترین چیز برایم حضور این دو شیخ (محمودی و قرشی) است چون تا دیروقت در کتابخانه می‌مانند! آقای محمودی مقداری نان و آب همراهش به کتابخانه می‌آورد مبادا برای غذا خوردن ناگزیر به خروج از کتابخانه شود، چنان که آقای قرشی هرگاه خسته می‌شد، دقایقی در کتابخانه استراحت می‌کرد مبادا ناگزیر به رفتن به خانه شود».^{۱۴}

نیاز مبرم به کتابخانه‌ای دارای منابع مورد نیاز، علامه

قرشی را واداشت درصدد تأسیس کتابخانه‌ای درخور باشد، تا سرانجام موفق گشت کتابخانه امام حسن (ع) را راه اندازی کند که اکنون مورد استفاده پژوهشگران و مؤلفان است.

علامه قرشی در این باره در مصاحبه‌ای با کتاب ماه دین، شماره ۱۲ مهر ۱۳۸۲ می‌گوید:

کتابخانه‌های عراق به ویژه در دوران حکومت صدام چندان رونق نداشت؛ زیرا برای نشر آثار دینی به ویژه آثار شیعی ممانعت‌های بسیاری وجود داشت و این موضوع مانع رونق کتابخانه‌ها بود. اما در این کتابخانه‌ها نسخ خطی و آثار چاپی قدیمی ارزشمندی وجود داشت. بزرگ‌ترین کتابخانه عراق، کتابخانه صدام بود با هزاران نسخه خطی و آثار نادری که در جهان عرب و اسلام بی‌نظیر بود. در نجف که مرکز علمی شیعه بود، بر کتابخانه‌ها نظارت شدیدی می‌شد، هرچند که از آثار خطی و چاپی آنجا استفاده می‌شد.

سانسور و نظارت شدیدی بر چاپخانه‌ها و نشر عراق حاکم بود و این شرایط باعث می‌شد که نویسندگان و علمای دینی به خارج از عراق مهاجرت کنند و در خارج به فعالیت علمی بپردازند یا به دلایل دیگر در عراق بمانند و از فعالیت علمی آشکار پرهیز کنند. این مسأله تنها شامل آثار دینی نبود، حتی ادیبان و نویسندگان عراقی به طور عمده آثارشان را در کشورهای دیگر منتشر می‌کردند. هرچند که نظارت بر این حوزه و دیگر علوم کمتر بود. اما نشر آثار دینی شیعه ممکن نبود و برای انتشار آثارمان به برخی چاپخانه‌ها پول می‌دادیم که آثار ما را منتشر کنند و نام مؤسسات نشر لبنان، دمشق، قاهره و مانند آن را می‌آوردیم تا آثار منتشره ضبط نشود.

مؤلف برگزیده

در مراسم کتاب سال ولایت در سال ۱۳۸۲ش، شیخ باقر قرشی به‌عنوان مؤلف برگزیده معرفی گردید و به پاس عمری تلاش و پژوهش علمی در زمینه دین و اهل بیت، جایزه پنجمین دوره کتاب سال ولایت به وی اهدا شد. او همچنین در سال ۱۳۸۲ش همزمان با سقوط نظام صدام، به ایران آمد و در قم، مورد تکریم شخصیت‌های علمی و نهادهای حوزوی قرار گرفت.

ویژگی‌های تالیفات

۱. بدین لحاظ که شیخ باقر شریف قرشی توانست با توجه به اختناق شدیدی که در عراق در زمان رژیم صدام وجود داشت، به تألیف و چاپ کتاب‌هایی در زمینه اهل بیت، تشیع و عقاید اسلامی دست بزنند، بسیار حائز اهمیت است. ایشان می‌گویند: «برای چاپ به خاطر سانسور و نظارت شدید بر چاپخانه‌ها ... برای نشر آثار دینی شیعه به برخی چاپخانه‌ها پول داده تا آثار را منتشر کنند و نام مؤسسات نشر لبنان، دمشق، قاهره و مانند آن را می‌آوردیم تا آثار منتشره ضبط نشود».

۲. توجه مؤلف در نگارش تالیفات به مسائل و نیازهای زمانه و ویژگی دیگر تالیفات ایشان راجع به اهل بیت علیهم‌السلام و ابعاد مختلف نظامات اسلامی است. به گونه‌ای که انگیزه اصلی خود از نگارش سیره‌نامه علیهم‌السلام را از زمانی می‌دانند که در گفتگویی با شهید محمد باقر صدر از طرف شهید گفته شد که کار علمی، موضوعی و روشمند در زمینه اهل بیت علیهم‌السلام صورت نگرفته است. نیز زمان عبدالکریم قاسم (که افکار کمونیستی در حال گسترش بود) ایشان با مطالعات خود در این زمینه به نگارش کتاب‌های مختلفی از جمله العمل و حقوق العامل فی الاسلام، فی نظام الحكم و الاداره دست زدند.

بزرگ‌ترین چاپخانه‌های عراق، در اختیار حزب بعث بود که آثار و کتاب‌های این حزب و حکومت را چاپ و منتشر می‌کرد.

بر حوزة علمیه نجف نظارت شدیدی بود و صدام توجه زیادی به این مرکز داشت و نزدیک به ۱۸۰ پلیس و جاسوس از مزدوران صدام در این حوزة بر تمام رفت‌وآمدهای رجال دین و علما و فعالیتشان نظارت داشتند. در حال حاضر، بعد از سقوط صدام، بسیاری از جوانان عراقی به حوزة علمیه نجف روی آورده‌اند و با وجود مشکلات، امیدواریم این حوزة (که زمانی بزرگ‌ترین مرکز علوم دینی شیعه بود) دوباره جایگاه خود را بیابد. چرا که در حال حاضر استادان و علما راحت‌تر از گذشته به این حوزة رفت و آمد می‌کنند و به تدریس و آموزش طلاب می‌پردازند. پیش از این مراجع به تدریس و تعلیم توجهی نداشتند زیرا پیامد آن کشته یا زندانی شدن آنان بود.

نیز می‌افزاید:

قبل از این که کتابخانه خود را راه‌اندازی کنم، از کتابخانه امام حسن علیه‌السلام در نجف اشرف (که کتابخانه بزرگی است و از مهم‌ترین کتابخانه‌های جدید در نجف است و نسخه‌های خطی بسیاری دارد) استفاده کردم. هر چند که از کتابخانه‌های دیگر مانند کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام و در اواخر کار از کتابخانه آیه‌الله حکیم و کتابخانه امام شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء بهره گرفتم. با این هدف که بدون غلو و افراط و تفریط همه آثار و منابع موجود را مطالعه کنم و همه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها را با توجه به صحت و سقم آنها در نظر بگیرم و بعد به فیش‌برداری و تألیف بپردازم.

۳. مراجعه به کتاب‌های شیعه و سنی و استنادات آن‌ها و پرهیز از مراجعه صرف به کتاب‌های شیعی از خصوصیت دیگر تألیفات ایشان به شمار می‌رود.

۴. با مراجعه به تألیفات ایشان درباره اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان سبک بخصوصی از تاریخ‌نگاری را ملاحظه نمود. ایشان در تاریخ‌نگاری از مراجعه صرف به کتاب‌های تاریخی پرهیز کرده و مبنای کار خویش در تألیف تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام را احادیث و روایاتی که از آنان رسیده است، قرار داده که با نثری روان نقل کرده و حوادث تاریخی را زدل آن بیرون می‌کشد. که خود منبع مهمی در دستیابی خوانندگان به احادیث ائمه علیهم‌السلام در زمینه‌های مختلف فقهی، سیاسی و... که به صورت‌های مختلف از ائمه علیهم‌السلام به دست ما رسیده است، به شمار می‌رود. نویسنده حتی دعاهایی که معصومان علیهم‌السلام در اوضاع گوناگون ارائه داده‌اند، نیز آورده است.

۵. علاوه بر این که نقل و بررسی احادیث ابعاد مختلف زندگی اهل بیت علیهم‌السلام را از زبان خود آنان برای خوانندگان روشن می‌سازد، مؤلف به اوضاع زمانه به لحاظ سیاسی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و... نیز توجه داشته و با دادن اطلاعاتی به خواننده، به بررسی جایگاه معصومین علیهم‌السلام با توجه به روایات می‌پردازد.

۶. به لحاظ محتوایی نویسنده سعی در مطرح نمودن ابعاد تازه و مطرح نشده تاریخ معصومین علیهم‌السلام داشته است. به عنوان نمونه ایشان به بُعد دیگری از زندگی امام سجاد علیه‌السلام که علاوه بر زهد، بانی تمدن اسلامی و سازنده دوباره اسلام بودند پرداخته و این که امام شهر مدینه را مرکزی علمی ساختند. تحلیل اثر امام سجاد علیه‌السلام در رساله الحقوق و صحیفه سجاده، زندگی و حیات علمی حضرت از زمره آن است. ایشان در بخشی از کتاب خود درباره حیات علمی امام سجاد علیه‌السلام آورده‌اند:

امام سجاد علیه‌السلام مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مرکز مدرسه خود قرار داد و در شبستان مسجد بحث و مذاکرات خود را بر علما و فقها القامی فرمود و این مباحث شامل علم فقه، تفسیر، حدیث، فلسفه، علم کلام و قوانین رفتار و اخلاق بود....

۷. تألیفات ایشان علاوه بر این که ابعاد مختلف زندگی ائمه علیهم‌السلام را نشان داده، اطلاعات مهمی نیز راجع به اصحاب و شاگردان ائمه علیهم‌السلام به خوانندگان ارائه می‌دهد که تلاش ایشان در رجال‌شناسی را نشان می‌دهد.

۸. ویژگی دیگر نگارش کتاب‌های تاریخی مؤلف این است که هر چند ایشان در ارائه اطلاعات تاریخی به احادیث و روایات رسیده از ائمه علیهم‌السلام توجه خاص داشته‌اند اما به نقل صرف آنها اکتفا نکرده و به لحاظ صحت و سقم احادیث، از روش حدیث‌شناسی شیعه (که بررسی راوی و روایت به لحاظ سندی و عقلانی است) استفاده نموده‌اند.

۹. ایشان در جای‌جای بحث که به لحاظ تاریخی با دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد روبرو هستیم، آن‌ها را مطرح کرده و سپس به نقد و بررسی آرای مختلف پرداخته و آنچه به نظر مؤلف صحیح به نظر می‌رسد، ارائه داده است از جمله درباره تعداد همسران امام حسن علیه‌السلام، ولایتعهدی و شهادت امام رضا علیه‌السلام و مسائل مختلف دیگر.

۱۰. یکی از مسائل مطرح در تاریخ این است که آیا می‌توان نویسنده کاملاً بی‌طرف داشت؟ از آن جا که عقاید هر شخص خواه ناخواه در زاویه دید گوینده و نویسنده تأثیر می‌گذارد - که البته داشتن زاویه دید با طرفداری مغرضانه تفاوت دارد - در تألیفات شیخ باقر شریف قرشی ضمن این که ایشان یک عالم شیعی بوده و استناد ایشان در تاریخ‌نگاری‌شان به احادیث ائمه علیهم‌السلام است، ویژگی خاصی می‌بینیم. بر خلاف روش برخی افراد و مکاتب که ابتدا

دیدگاه خود را مشخص نموده و سپس با آوردن یک سری دلایل، جریان مربوط به خود را به حق جلوه می دهند. ایشان سعی نموده حوادث تاریخی و تاریخ معصومین علیهم السلام را با آوردن احادیث ائمه علیهم السلام و دلایل عقلانی ارائه کرده و حقانیت آنان را اثبات نماید.^{۱۵}

خدمات اجتماع

از شمار خدمات علامه قرشی تأسیس کتابخانه امام حسن علیه السلام در ۱۴۱۴ق در نجف اشرف در پنج طبقه است. ایشان از کودکی دوستدار دانش و معرفت بوده، کتاب اهمیت بسیاری در اندیشه وی داشته، خود درباره انگیزه اش از راه اندازی کتابخانه می گفت:

«اسلام در رسالت جاودانه اش به مهم ترین اقدامی که پرداخته، ساخت جامعه پیشرفته در مجال سیاسی و اقتصادی است. اسلام تمدن خود را بر گسترش دانش و رواج آن میان مردمان قرار داده، چون جامعه نادان و جاهل در سطحی ناپسند و نازل زیست کرده، بهره ای از نور و پیشرفت متمدنانه ندارد. پیغمبر صلی الله علیه و آله بر ضرورت کسب دانش، در تمامی اقسامش، تأکید کرده، جز دانش هایی امثال جادو و سحر را که به بدبختی انسان منجر می شود، حرام ندانسته است. پیامبر فرمود: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم...» چنان که بفرآگیری آن حق اگر در چین باشد، دستور فرمود.

از شمار راه هایی که دانش گسترش می یابد، تأسیس کتابخانه های عمومی است تا کسانی که امکان خرید کتاب ندارند و یا به هر دلیلی دیگر، از آنها استفاده کنند. نجف اشرف از دیرباز دانشگاه اهل بیت علیهم السلام بوده، شایسته است مجموعه کتابخانه های در آن تأسیس و راه اندازی

شود که در بردارنده تمامی منابع و مصادری باشند که دانش پژوهان به خصوص طلاب بدان نیازمندند. از جمله الطاف الهی بر من و برادر فقیدم (شیخ هادی) تأسیس کتابخانه امام حسن علیه السلام بوده که رو به پیشرفت بوده، کتاب هایی چند بدان اهدا شده، هزاران کتاب خریداری گشته، در نجف اشرف از حیث بنا و نقشه، بهترین کتابخانه نجف بوده، در بردارنده کتب بسیار در تمامی شاخه های علوم است که مهم ترین مرکز فرهنگی در نجف به شمار می رود.^{۱۶}

ساختمان کتابخانه توسعه یافته، مرکز پژوهش های قرآنی و نیز تحقیقات تخصصی نهج البلاغه راه اندازی شده است.

ویژگی های اخلاق

علامه قرشی مدرسه والگوی اخلاقی بوده، ویژگی اش پاراسی، دنیا گریزی و فروتنی بود. هر که با وی آشنایی شد، پس از مدتی بدین صفات اذعان می کرد. خیرخواهی و نیکی به همگان، مهرورزی و محبت، از دیگر صفات ستودنی وی بود که همه را از مکتب اهل بیت علیهم السلام آموخته بود. اینک به تفصیل سخن می گوئیم:

۱. از جمله صفاتی که مؤمن باید بدان آراسته شود، تواضع و فروتنی است. اسلام و پیامبران بر این خصلت تأکید و تشویق فرموده، علامه قرشی یکی از بارزترین نمونه های تواضع بود. در سلام کردن بر کوچک و بزرگ، پیشی می گرفت. کنار صغیر و کبیر می نشست. بین غنی و فقیر فرق نمی گذاشت. هر که با وی دمخور بود، این صفت او را بازگویی کرد.

۲. خود را هیچ انگاشتن، از دیگر خصال وی بود. خویش را کمترین طلاب می دید و برای خود شأن و برتری و امتیازی

قائل نبود. وقتی کتاب و مقاله‌ای می‌نوشت، نام خویش را بی هیچ لقب و عنوانی می‌نوشت و می‌گفت: این تعینات و تکلفات زیر خاک می‌رود. وقتی موسوعه (دانشنامه) امام صادق علیه السلام در قم چاپ می‌شد، طراح روی جلد واژه «شیخ» را به نام نویسنده افزود، ولی وی با ناراحتی بسیار گفت: هرگز راضی نیستم صفتی به اسمم اضافه شود!

۳. دنیاگریزی: در تمام طول زندگی به مادیات اعتنائی نداشت و مال پرست نبود. اگر پولی به دستش می‌رسید، فوراً آن را به فقیران و نیازمندان می‌داد. وقتی سفر می‌رفت، جز کرایه و مقداری اندک پول همراه نداشت. پس از مرگ جز کتابخانه و کتاب‌های ارزشمندش چیزی باقی نگذاشت.

۴. پارسایی: سلوکش رفتار صالحان و اولیا بود. لبانش از ذکر باز نمی‌ایستاد. پیوسته قرآن و دعا می‌خواند و مستحبات را به جا می‌آورد. زیارت امام حسین علیه السلام را ترک نمی‌کرد به ویژه در شب‌های جمعه. این کار را به مدت بیش از نیم قرن انجام داد و به طلاب توصیه می‌نمود: هر که طالب نجات در دنیا و آخرت است، شب‌های جمعه سرور جوانان بهشتی را زیارت کند.

۵. کمک به نیازمندان: فقیران وضعیفان را دوست داشت و بسیار سفارششان را می‌کرد و افراد غنی را تشویق می‌نمود بدانان یاری رسانند. بدین منظور سیره امامان علیهم السلام و چگونگی برخوردشان با فقرا و مساکین را یادآور می‌شد و این که امام زین العابدین علیه السلام کیسه نان و خرما بردوش کشیده، شبانه به محلات فقیرنشین مدینه می‌رفت، آن قدر که پشتش زخمی گشت! خود می‌گفت: در طول زندگی ام احدی را رد نکردم. بهترین کار نزد من کمک به نیازمندان است.^{۱۷}

هر که از وی درخواست نامه‌نگاری به بیوت علمایا مؤسسات

۱۷. قبس من حیا، ص ۲۰.

دولتی و سفارش اینان را می‌کرد، اجابت می‌نمود. دیده‌نشد کسی از نزدش بیرون رود و ستایش و دعایش نکند.

فعالیت‌های انقلابی

فعالیت‌های انقلابی علامه قرشی و نقش بارز وی در جنبش اسلامی نیز موضع‌گیری‌های جهادگونه‌اش از بیست سالگی به بعد زیانزد همگان بوده، با شجاعت و پایداری مثال‌زدنی به رویارویی با نظام کمونیستی پرداخت که بر سرتاسر عراق سایه انداخته بود. وی همراه دوستش مرحوم حجة الاسلام شیخ محمد حسین حرزالدین اقدامات ستودنی در این راستا انجام داد، از جمله برای چاپ فتاوی‌ای آیه الله حکیم رحمته الله علیه به چاپخانه‌های رفته، این کار را به دور از چشم جاسوسان، شبانه انجام می‌داد. شب در مسجد می‌خوابید تا صبحگاه بتواند فتاوی‌های چاپ شده را به استان‌های عراق رسانده، مردم را آگاهی بخشد. پخش اعلامیه میان زائران در حرم یکی از کارهای شجاعانه علامه قرشی است. آیه الله حکیم به وی اعتماد بسیار داشته، او را برای دیدار با حاکم عراق (عبدالکریم قاسم) فرستاد تا شیوه آموزش در مدارس کشور را اصلاح کند. رهبر کودتا (قاسم) از شجاعت و بیان منطقی علامه قرشی شگفت زده شده، قول داد نظرات مرجعیت را در آموزش و پرورش به کار گیرد.

علامه قرشی کتاب خود (العمل و حقوق العامل فی الاسلام = کار و حقوق کارگر در اسلام) را در نقد نظریه مارکسیست نوشت، آن هم در زمانی که کشور عراق زیر سلطه کمونیست و افسران چپ گرا بود. این اثر بازتاب بسیار داشت و به زبان‌های گوناگون ترجمه شد و موجب افتخار و سربلندی مسلمانان گشت، چنان که نگارش آثاری دیگر در این راستا بود، از جمله: نظام سیاسی فی الاسلام، نظام الحکم والإدارة فی الاسلام و...

در زمان صدام طاغی که تبلیغات بر ضد مکتب اهل بیت علیہ السلام گسترده بود، کتاب مهم «هذه هي الشيعة» را چاپ و منتشر کرد. وی به معرفی عقاید و باورهای راستین شیعه پرداخته، شبهات پیرامون را پاسخ داده و رد کرد. کتاب به شکل گسترده در کشور پخش شده، تأثیر شگفتی بر جانها داشت! دیگر کتب وی نیز بدین منظور نوشته شد. از جمله: سجود علی التربة الحسينية، أضواء علی زیارة القبور، سلامة القرآن من التحريف، الغلو والغلاة و...

در پی این فعالیت‌های انقلابی فرهنگی گرفتار اذیت و آزار بسیار در زمان طاغوت شده، مورد تعقیب دستگاه امنیتی واقع گشته، مجبور به مهاجرت به کربلا و سامرا شده، طی دو سال اقامت در آن سامان کتاب «حياة الامام الهادی علیه السلام» را نگاشت.

پیوند با امام خمین
به گفته شریف قرشی هنگامی که امام خمینی در ایام تبعید قصد ترک عراق را داشتند، شنیده بود که بنده جزو ای درباره نظام سیاسی در اسلام آماده چاپ دارم، مبلغی جهت چاپ آن کتاب ارسال داشتند.

باقر شریف قرشی همچنین درباره پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید:

ما هم وقتی خبر پیروزی انقلاب اسلامی ایران را شنیدیم، با شادمانی تمام به سوی حرم امیرالمؤمنین گسیل شدیم، دست‌ها را به دعا و سپاس و شکر پروردگار برافراشتیم که خداوند این بنده‌اش را عزّت بخشیده و این مرد عظیم‌القدر را سرفراز کرده است. هم‌اکنون مردم عراق آگاه‌اند و هرگز حاضر نیستند از امام خمینی و اهل بیت رسالت دوری گزینند.^{۱۸}

علامه قرشی از امام چنین تعبیر می‌کند: امام اعظم، یگانه زمان و وحید دوران. او که با انقلاب بزرگ خود، مسلمانان جهان را بیدار کرد و به اسلام و شیعه اثنی عشری عزت بخشید.^{۱۹}

مشارکت در اجلاس‌های علم
پس از فروپاشی رژیم طاغوت صدام و رفع حصر از علمای اعلام، دعوت‌نامه‌های بسیاری برای حضور در هم‌اندیشی‌های علمی برای علامه قرشی فرستاده شد، که معظم‌له در بعضی مشارکت جست، از جمله:

۱. اجلاس امام علی علیه السلام در ایران: در این همایش اثرستری علامه قرشی (دانشنامه چند جلدی درباره امام علی) جایزه نخست را کسب کرده، از زحمات علمی علامه تقدیر و قدردانی به عمل آمد.

۲. هم‌اندیشی امام صادق علیه السلام در ایران: در این گردهمایی نیز دانشنامه هفت جلدی درباره امام صادق علیه السلام جایزه نخست را به دست آورد.

۳. اجلاس بین‌المللی فارابی در ایران: علامه قرشی در این گردهمایی به ایراد سخن درباره نقش اسلام در پیشرفت جنبش علمی پرداخته، به سهم امامان علیهم السلام به عنوان خاستگاه دانش و نور در آگاهی بخشی به امت و بنای تمدن بشری اشاره کرد.

در این هم‌اندیشی چندین تقدیرنامه از ریاست جمهوری ایران، وزارت علوم، سازمان یونسکو و... دریافت کرد.

۴. اجلاس امام علی علیه السلام در ایران که توسط جامعه المصطفی برگزار شده، دانشنامه یازده جلدی امام علی علیه السلام جایزه نخست را کسب کرد.

۵. جامعه آل البیت که گردهمایی بزرگداشت علامه قرشی را برگزار کرد.

۶. راینی فرهنگی ایران در دهل نوباعنوان «تلاش های علمی آیه الله علامه قرشی» اجلاس بزرگی ترتیب داده. شخصیت های فرهنگی فرهیخته ای از کشورهای گوناگون مشارکت داشتند. از جمله: هند، عراق، یمن، ایران و کشمیر.

۷. دانشگاه کوفه با عنوان «علامه شیخ قرشی - مشعل تابناک میراث اسلامی» گردهمایی تقدیر از ایشان را برگزار کرد.

سفرها
پس از آزادی عراق از سلطه صدامیان و امکان سفر به کشورهای دیگر در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ علامه قرشی به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده، در قم مورد استقبال شایان قرار گرفته، نشریات ایرانی با وی مصاحبه ها کردند. وی به دیدار آیات عظام و علمای اعلام شتافته، از مؤسسات علمی پژوهشی دیدار کرد، چنان که به زیارت رهبرانقلاب، مقام معظم رهبری نائل آمد.
دومین سفرش به هند، سپس بحرین بود.

از نگاه بزرگان
عالمان بزرگوار درباره شخصیت علامه قرشی سخن ها گفته و ستایش ها کرده، شایستگی و قابلیت برجسته علمی اش را ستوده، اینک بعضی گفته ها درباره اش را تقدیم می داریم:

۱. اصلاحگر بزرگ، مرجع دینی شیخ محمدحسین کاشف الغطا در مقدمه اش بر کتاب علامه قرشی (حیة الامام الحسن علیّه السلام) ۲۰ رمضان ۱۳۷۳ هـ می نویسد:

«ممن عرف فالف وأجاد فیما جمع و صنف... از جمله کسانی که آگاهی یافته و اثر نوشته و در آنچه گردآورده و نوشته، به خوبی کار کرده، نیز در زمان حیاتش برای امام حسن علیّه السلام زندگینامه نگاشته و به نیکی و محکم این کار را کرده... عالم فاضل نجیب ادیب، شیخ باقر شریف قرشی است...».

۲. حضرت آیه الله سید عبدالاعلی سبزواری علیّه السلام در مقدمه کتاب علامه قرشی (الصحیفة الصادقیة) نهم شعبان ۱۴۰۸ هـ می نویسد:

«عَلَمُ الْأَعْلَامِ الْحَجَّةُ، قُرَّةُ الْمَتَّبِعِينَ...؛ عَلَمُ أَعْلَامٍ، حَجَّتْ، نور چشم پژوهشگران عظام شیخ باقر شریف قرشی... الگوی والا در علم و عمل».

در گذشت
صبح یکشنبه ۲۶ رجب ۱۴۳۳ هـ برابر با ۲۸ خرداد ۱۳۹۱ روز مصیبت باری برای جامعه فرهنگی علمی جهان اسلام بود. در این روز علامه قرشی در ۸۶ سالگی دعوت حق را لبیک گفته، با کوچ ملکوتی اش، دنیای اسلام و حوزه های علمی دچار خسران و زیان وصف ناپذیری شد! در پی درگذشت آن محقق فرهیخته، نجف اشرف سیاه پوش گشته و حزن و اندوه بسیار سرتاسر شهر را فرا گرفت!

پس از انتقال جنازه شریف از مسجد جامع الزهراى نجف به کربلا، بعد از ظهر یکشنبه با حضور بی شمار عالمان و فاضلان و عموم اقشار با قلبی آکنده از غم و سوگ، جنازه در آستان مقدس حضرت ابوالفضل علیّه السلام نهاده شده. مردمان سوگواری و دایه با آن جنازه شریف پرداخته، پس از مراسم زیارت و پایان نماز مغرب و عشا و انجام طواف وداع، جنازه به سوی مرقد سیدالشهدا علیّه السلام حرکت داده شده، در اینجا مراسم زیارت به جا آورده شده، علامه آیه الله سید مرتضی

قزوینی در رثای آن عالم فرزانه سخن گفت.

جنازه پس از تشییع در کربلا، به نجف اشرف بازگردانده شده، با حضور جمع بی شماری از علما و طلاب نیز عشایرو دولتمردان عراقی و نمایندگان مجلس به طرف حرم حضرت امیر مؤمنان علیه السلام تشییع گشت. در این مراسم نمایندگی رهبر انقلاب اسلامی ایران حضور داشته، گروه‌هایی از کشورهای بحرین و عربستان نیز مشارکت جستند.

آیة الله سید محمد سعید حکیم نماز میت خوانده، سپس جسد شریف علامه قرشی در کتابخانه اش - طبق وصیت - دفن گردید. وی مایل بود حتی جنازه اش کنار کتاب و کتابخانه خاک شود! «فسلام علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حیاً».

وصیت

در بستر بیماری منجر به وفات و در واپسین روزهای زندگی، علامه قرشی به برادران ایمانی به ویژه جوانان برومند، وصیت‌ها و سفارش‌هایی داشتند، از جمله:^{۲۰}

۱. پارسایی و پرهیزگاری که کلید ایمنی از دنیا و غرور است.

۲. آراستگی به اخلاق پسندیده اهل بیت علیهم السلام که موجب نجات آدمی است.

۳. مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام به موجب آیه: ﴿لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ که از بزرگ‌ترین مصداق‌های ولایت، پایبندی به راه و روش هدایت‌گیشان نیز آراستگی به آداب و اخلاقشان است.

۴. خدمت به اسلام جز ولایت و تمسک به اهل بیت علیهم السلام نیست که موجب سلامت در دنیا و آخرت است.

۲۰. قبس من حیا، ص ۷۶-۷۸.

۵. بزرگداشت و احیای مصائب پاره تن رسول صلی الله علیه و آله حضرت زهرا ی مرضیه علیها السلام همو که روح پیامبران در وجود اوست و نخستین مدافع مذهب اهل بیت علیهم السلام است.

۶. زیارت و احیای شعائر امام حسین علیه السلام از آن رو که شهیدی همانند وی در تاریخ بشر نیست. همو که سرور آزادگان، رمز بقا و جاودانگی اسلام، اعجوبه روزگار و الگوی والا است.

منابع:

۱. آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۳.

۲. سایت آیة الله سید محمد سعید حکیم.

۳. سایت کتابخانه تخصصی تاریخ.

۴. سایت کتابخانه تخصصی امیر المؤمنین.

۵. سایت شفقنا.

۶. سایت کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۷. مجله کتاب ماه، شماره ۱۲، سال ۱۳۸۲ (مهرماه).

۸. روزنامه کیهان، سال ۱۳۸۸ (دوم مرداد).

۹. مجله نامه قم، سال ۶، ش ۲۱-۲۲ بهار و تابستان ۸۲، ص ۱۱.

۱۰. مجله پژوهش و اطلاع رسانی، مرکز جهانی علوم اسلامی، سال اول، مرداد و شهریور ۸۲، ص ۱۷.

۱۱. گلشن ابرار، ج ۶، ص ۴۰۶.

۱۲. معجم رجال الفکر و الأدب فی النجف، محمد هادی امینی، ص ۳۴۵.

۱۳. المفصل فی تراجم الأعلام، سید احمد حسینی، ج ۴، چ مجمع ذخائر الإسلامی، ۱۳۹۳، قم.

۱۴. العلامة الشیخ باقر الشریف القرشی، محمد ساعدی، چ قم، ۱۴۳۱ق.

۱۵. قراءة فی فکر الشیخ باقر الشریف القرشی، حسین علی، چ بغداد، ۲۰۰۹م.

۱۶. معارف الرجال، حرز الدین، ج ۳، ص ۱۳۲.

۱۷. معجم المؤمنین العراقيين، عمر رضا کحاله، ج ۱، ص ۱۷۱.

۱۸. معجم الأدباء، جبوری، ج ۱، ص ۴۴۵.

یادداشت آقای حسن انصاری، عضو هیات علمی مؤسسه مطالعات پیشرفته پرینستون

درباره علامه مرحوم سید هبة الدین شهرستانی
مرحوم علامه سید هبة الدین شهرستانی از مفاخر طائفه در صد سال اخیر است. عالمی
آگاه و مسئولیت شناس و مطلع از رشته های مختلف علوم. کتاب استاد سید عبدالستار
حسینی درباره او را که به تازگی مؤسسه کتابشناسی شیعه منتشر کرده در این دوروز
خواندم. حیرت آور است آنچه این مرد در زندگیش بدان توفیق داشته است. متأسفانه بخش
اعظم آثار ارزشمند او تا کنون منتشر نشده منتهی همان ها که تا کنون چاپ شده و البته به
زبان های متعددی هم برخی از آنها نشر یافته نشان از عمق اطلاع و آگاهی علامه شهرستانی
دارد. او در راستای آگاهی بخشی از تشیعی خردمندانه و در همزیستی با اهل سنت در عراق
تلاش بسیار کرد و بی تردید یکی از مصلحان و نواندیشان و آگاهان در جامعه شیعه بود.
امیدوارم همتی شود و آثار آن بزرگ تماماً منتشر شود. در عراق سده بیستم او و مرحوم شیخ
محمد حسین آل کاشف الغطاء در راه تعامل و همزیستی و آگاهی بخشی درباره تشیع
تلاش بسیار کردند. امثال این دو بزرگ مایه مباحثات جامعه شیعه اند و باید این دو بزرگ
را به عنوان نماینده تفکر شیعی به جهان اسلام معرفی کرد. مناسب است چندین رساله
دکتری درباره زوایای آراء و فعالیت های علمی علامه شهرستانی تدوین شود. مرحوم حاج سراج
انصاری به او خیلی دلبستگی داشت و آثارش را به جامعه ایرانی معرفی کرد. کتاب استاد
عبدالستار حسینی بسیار خواندنی و حاوی نکته های ادبی و تاریخی مهمی است. هر چه ایشان
بنویسد خواندنی است و حاصل یک عمر دقت در متون. خداوند او را محفوظ دارد.

مؤسسه کتابشناسی شیعه

یادداشت بالا را که نوشتم به نظر آمد در چند سطر این مؤسسه را هم معرفی کنم. این
مؤسسه کتابشناسی شیعه که زیر نظر دانشمند محقق دقیق النظر جناب آقای رضا
مختاری کار می کند در این چند سال که از تأسیس آن می گذرد کارهای مهمی منتشر
کرده و یا در دست انتشار دارد. علاوه بر پروژه بزرگ تصحیح و باز نشر کتاب اعیان الشیعة و
پروژه مهم گردآوری متون اجازات علمی شیعه، سری کتاب هایی که درباره معرفی عالمان
طراز اول شیعی تا کنون منتشر کرده بسیار مفیدند و من تا کنون چندین مجلد از آنها را با دقت
خوانده ام. متأسفانه همه آنها را کتابخانه دانشگاه ما ندارد اما آنچه تا کنون دیده ام بسیار خوب
و قابل استفاده است. تصحیح متن های مختلفی همانند الدرجات الرفیعة و تأسیس الشیعه

